Research in Clinical Psychology and Counseling

https://tpccp.um.ac.ir Vol. 12, No 1, 2022

ISSN(Online): 2423-4265 ISSN(Print): 2251-6352 Research Article

The Role of Early Maladaptive Schemas (Emotional Deprivation, Abandonment/Instability, and Mistrust/Abuse) in Marital Commitment: The Mediating Role of Gender Roles

Ghasemi Kobra
Graduated M.A, University of Zanjan, Zanjan, Iran
Elahi Tahereh
Associate Professor, University of Zanjan, Zanjan, Iran. (Corresponding Author), Email:
Majid Yousefi Afrashteh
Associate Professor, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Recived: 14/04/2022 Revised: 23/05/2022 Accepted: 03/09/2022

Citation: Ghasemi,, K., Elahi, T., & Yousefi Afrashteh, M. (2022). The Role of Early Maladaptive Schemas (Emotional Deprivation, Abandonment/Instability, and Mistrust/Abuse) in Marital Commitment: The Mediating Role of Gender Roles. Research in Clinical Psychology and Counseling, *12*(1), 5-21. doi: 10.22067/tpccp.2022.75842.1266

Abstract

Purpose: This study was conducted with the aim of examining the structural equation model of predicting marital commitment based on the early maladaptive schemas of emotional deprivation, abandonment/instability, and mistrust/abuse mediated by the gender roles.

Method: The present research was a correlational study using the path analysis method. A total of 300 married employees (132 females and 168 males) were selected by the convenience sampling method. Data were collected using the Dimensions of Commitment Inventory (DCI), Young Schema Questionnaire-Short Form (SQ-SF), and Bem Sex Role Inventory (BSRI). The path analysis analysis was conducted to examine the proposed model using LISREL software.

Findings: The results indicated that the hypothesized model had a good fit with the observed data. The findings showed that emotional deprivation schema is negativly correlated with marital commitment. Moreover, the gender roles of masculinity and femininity are positivly correlated with marital commitment. The path analysis showed that the relation between emotional deprivation schema and marital commitment is mediated by both gender roles. In addiction, the relations between abandonment/instability and mistrust/abuse schemas and marital commitment are mediated by the gender role of masculinity. According to the findings of this research, designing interventions aimed at increasing people's awareness of their maladaptive schemas and modifing them in counseling and psychotherapy processes can be helpful in solving couples' problems.

Keywords: Early maladaptive schemas, marital commitment, gender roles.

پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره
مقاله پژوهشی https://tpccp.um.ac.ir دسترسی آزاد

نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/بدرفتاری) در تعهد زناشویی با واسطه گری نقش‌های جنسیتی

کبری قاسمی
دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
طاهره الهی
دانشیار، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران ، (نویسنده مسئول)، telahi@znu.ac.ir
مجید یوسفی افراشته
دانشیار، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

استناد: قاسمی, کبری, الهی, طاهره, & یوسفی افراشته, مجید. (۱۴۰۱). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/بدرفتاری) در تعهد زناشویی با واسطه گری نقش‌های جنسیتی. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره, *۱۲*(۱), ۵-۲۱.
doi: 10.22067/tpccp.2022.75842.1266

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه شامل محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری با در نظر گرفتن نقش میانجی گر نقش های جنسیتی انجام شد.
روش: پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی نوع تحلیل مسیر بود. پژوهش بر روی ۳۰۰ نفر (۱۶۸ مرد و ۱۳۲ زن) از کارمندان متأهل شهر زنجان که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، انجام شد. اطلاعات موردنیاز با استفاده از سیاهه تعهد زناشویی آدامز و جونز، پرسشنامه طرحواره یانگ – فرم کوتاه، و سیاهه نقش جنسیتی بم جمع‌آوری شدند. داده های پژوهش به روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آماری لیزرل مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که مدل فرضی پژوهش با داده‌های تجربی برازش مطلوب دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که طرحواره محرومیت هیجانی با تعهد زناشویی همبستگی منفی و معنادار دارد. همچنین نقش جنسیتی مردانگی و زنانگی با تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معناداری دارند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که نقش های جنسیتی مردانگی و زنانگی در رابطه‌ی بین طرحواره محرومیت هیجانی و تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارند. همچنین نقش جنسیتی مردانگی در رابطه‌ی بین طرحواره‌های رهاشدگی/ بی‌ثباتی، و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری و تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. با توجه به یافته‌های این پژوهش طراحی مداخلاتی در راستای آگاه‌سازی افراد نسبت به طرحواره‌هایشان و تعدیل آن در فرآیندهای مشاوره و روان‌درمانی می تواند گام مؤثری در کمک به حل مشکلات زوجین باشد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تعهد زناشویی، نقش جنسیتی

مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و بالاترین عمل اجتماعی حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است که تعهد به همسر و نهاد ازدواج نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی کننده‌ی کیفیت و پایداری رابطه زناشویی به‌حساب می‌آید (John, Seme, Roro, & Tsui, 2017). مطالعات نشان می‌دهد سطح پایین تعهد زوجین منجر به عدم رضایت و طلاق می‌گردد. در نظرسنجی ویلچ و جانسون (Welch & Johnson, 2003) ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان عامل طلاق خود را فقدان تعهد دانسته بودند که با یافته‌های زمینه‌یابی ساکنان اوکلاهما همخوان بود.

تعهد زناشویی[1] به این معنی است که شخصی که ازدواج می‌کند و تشکیل خانواده می‌دهد به یک شخص خاص متعهد باقی بماند (Ellen Byrd, 2009). گر چه تعهد به‌عنوان قصد فرد برای ادامه دادن رابطه در نظر گرفته می‌شود اما به سه نوع متمایز تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱) تعهد شخصی (تعهد به همسر) که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه زناشویی است و تحت تأثیر سه مؤلفه قرار می‌گیرد: جذابیت همسر، جذابیت رابطه زناشویی و هویت زناشویی؛ ۲) تعهد اخلاقی (تعهد به ازدواج) به این معنی که فرد اخلاقاً خود را موظف به حفظ و ادامه رابطه زناشویی می‌داند و تحت تأثیر سه مؤلفه قرار می‌گیرد: تقدس بنیان ازدواج، وفاداری به نوع رابطه زناشویی و احساس دین نسبت به یک همسر و ۳) تعهد ساختاری که به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک رابطه زناشویی و احساس اجبار در تداوم آن رابطه اشاره دارد. در واقع تعهد از طریق ارتباطات ایجاد و بازسازی می‌شود، در طول زمان کم و زیاد می‌شود و در ازدواج‌هایی که مشکلات را تحمل می‌کنند، بالاتر از سطح حداقل باقی می‌ماند (Adams & Jones, 1997).

عوامل متعددی تعهد زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته‌ی عوامل شخصیتی و درون فردی، عوامل موقعیتی و محیطی و عوامل بین فردی قرار داد. مهم‌ترین عوامل برون فردی و محیطی که در پژوهش‌ها به آن‌ها پرداخته شده است عبارت‌اند از: از دست دادن شغل، مشکلات مسکن و درآمد کم، رضایت مالی (Dew & Jackson, 2018)، عدالت در تقسیم کارها (Tang & Curran, 2013) و جایگزین‌های جذاب و قابل‌دسترس(Arriaga & Agnew, 2001).

در میان عوامل درون فردی نقش رضایت از رابطه‌ی جنسی (Montesi, Fauber, Gordon, & Heimberg, 2011)، سبک ارتباطی، تمایل به وفق دادن و تطبیق دادن خود، تمایل به فداکاری برای رفاه شریک خود و دلبستگی قوی (Arriaga & Agnew, 2001)، ارضای متقابل نیازهای صمیمت زوجین

1. marital commitment

(Arriaga & Agnew, 2001)، داشتن مهارت‌های حل مسئله مناسب و سرمایه‌گذاری در ازدواج (Goodfriend & Agnew, 2008)، مذهب و اعتقادات مذهبی (Nelson, Kirk, Ane, & Serres, 2011)، رضایت از رابطه و انگیزه زوجین برای حفظ رابطه (Nelson et al., 2011)و انتظارات و خواسته‌های هر یک از زوجین (Vannier & O'Sullivan, 2018) را می‌توان مد نظر قرار داد.

یکی از عوامل درون فردی بنیادی که در رفتار، ارتباطات و روابط زناشویی افراد تأثیرگذار است و ممکن است افراد از آن آگاه نباشند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه[1] است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه عوامل معنادار شناختی و درون فردی هستند که به درک بهتر روابط زناشویی کمک می‌کنند. این چارچوب‌های ذهنی را می‌توان به‌عنوان ساختار پردازش اطلاعات تعریف کرد که احساسات، رفتارها، اندیشه‌ها و باورهای عمیق در مورد خود و جهان را تعیین می‌کنند (Mohammadi & Soleymani, 2017). طرحواره‌ها به‌صورت الگوهای گسترده، ناکارآمد و فراگیر که شامل خاطرات، هیجان‌ها، افکار و احساسات بدنی در مورد خود و رابطه با دیگران هستند، تعریف می‌شوند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و در مسیر زندگی تداوم می‌یابند. مطابق نظر یانگ[2] طرحواره‌های ناسازگار اولیه از تجارب منفی دوران کودکی شکل می‌گیرند و بر شیوه تفکر، احساس و رفتار و سایر جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارند (Basile, Tenore, & Mancini, 2019). طرحواره‌ها در ارتباط با پنج نیاز تحولی اساسی که عبارت‌اند از: دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت،آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری به وجود می‌آیند و فرد باید از همان آغاز طی تحول خود این نیازها را در رابطه با والدین و محیط با موفقیت پشت سر گذارد (Damiano, Reece, Reid, Atkins, & Patton, 2015). طرحواره‌های ناسازگار اولیه بیشتر در سطح آگاهی قرار می‌گیرند و در دسترس هستند و با فهرست‌های خود گزارشی تشخیص داده می‌شوند. هنگامی که این طرحواره‌ها فعال می‌شوند اغلب افراد به شیوه‌ای پاسخ می‌دهند که طرحواره‌ها را در طول زمان حفظ می‌کنند و پایدار نگه می‌دارند (Calvete, Orue, & Hankin, 2015).

یانگ هجده نوع طرحواره را در پنج حوزه طبقه‌بندی می‌کند: حوزه‌ی اول: بریدگی و طرد (رهاشدگی – بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی – بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص شرم، انزوای اجتماعی – بیگانگی)؛ حوزه‌ی دوم: خودگردانی و عملکرد مختل (وابستگی - بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر

1. early maladaptive schemas
2. Young

و بیماری، خود تحول نیافته – گرفتار، شکست)؛ حوزه‌ی سوم: محدودیت‌های مختل (استحقاق – بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری – خود انضباطی ناکافی)؛ حوزه‌ی چهارم: دیگر جهت‌مندی (اطاعت، ایثار، پذیرش جویی – جلب‌توجه و حوزه‌ی پنجم: گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری (منفی گرایی و بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه- عیب‌جویی افراطی و تنبیه).

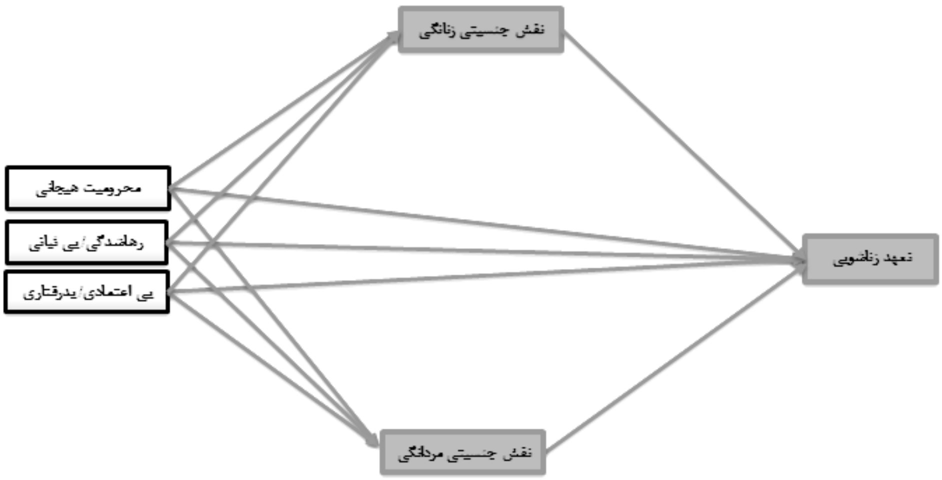
طرحواره‌های ناسازگار اولیه از مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌های نارضایتی از زندگی هستند. حضور طرحواره‌های شناختی ناسازگار ممکن است بین افرادی که از زندگی‌شان راضی هستند و آن‌هایی که از زندگی رضایت کمی دارند، تمایز ایجاد کند و موجب فراخوانی هیجانات منفی شده به کاهش توان مقابله‌ی شخص با مشکلات زندگی منجر شوند (Shirvani & Peyvastegar, 2011). در همین راستا، نتایج پژوهش‌های سیفی زاده آرانی، زارعی محمودآبادی و بخشایش (Seyfizadeh, Zarei Mahmoodabadi & Bakhshayesh, 2019)، امانی، عیسی نژاد و عزیزی (Amani, Isanezhad & Azizi, 2015) ، پارسا فر و اکرمی (Parsafar & Akrami,2014) و هادی و همکاران (Hadi et al., 2017) نشان دادند افرادی که از طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری رنج می‌برند در دوران کودکی نیازشان به ثبات، امنیت و عشق و تعلق‌خاطر برآورده نشده است؛ بنابراین، در بزرگ‌سالی و در روابط خود تنش‌ها و چالش‌هایی را تجربه می‌کنند که منجر به کاهش تعهد و رضایت زناشویی‌شان می‌شود.

از سوی دیگر عملکرد خانواده و تعهد زناشویی می‌تواند تحت تأثیر نقش جنسیتی هر یک از زوجین قرار گیرد. در واقع نقش جنسیتی به وظایف، مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که فرهنگ هر جامعه به زنان و مردان اختصاص می‌دهد و از هر فردی انتظار می‌رود مطابق با خواسته‌های فرهنگی آن جامعه ویژگی‌های مردانه و زنانه را برای خود برگزینند (Zeyneloglu & Terzioglu, 2011.). نقش جنسیتی مفهوم گسترده‌ای است که بسیاری از مسئولیت‌ها و تکالیف در خانواده بر اساس آن تعریف می‌شود، چرا که مفهوم نقش جنسیتی تعریف زنانگی و مردانگی در یک جامعه است. مردانگی خصوصیات شخصیتی ابزاری و هدفمند (مانند استقلال، رهبری، منطقی بودن و ...) را در برمی‌گیرد و زنانگی خصوصیات شخصیتی بیانی و پروراندن (مانند عاطفی، گرم، مهربان و غریزی بودن و ...) را در برمی‌گیرد (Topuz & Yıldızbaş, 2014). نقش‌های جنسیتی بر رفتار، افکار، احساسات فردی و ارتباطات اثر می‌گذارند. یکی از حوزه‌های ارتباطی با افراد دیگر ازدواج و تعامل با همسر است جایی که فرد نقش جنسیتی خود را بروز می‌دهد و زمانی که درباره نقش خود (ویژگی زنانگی و مردانگی) آگاهی کامل و پذیرش داشته باشد می‌تواند در روابط بین فردی خود از جمله رابطه با همسر پیوند عاطفی عمیق‌تر را برقرار کند و وحدت خانوادگی بیشتری را تجربه کند

و نتیجه آن رضایت بیشتر از تعاملات خود است اما زمانی که این تعادل به هم بخورد و فرد از ویژگی‌های خود آگاهی نداشته و یا پذیرای ویژگی‌های مرتبط با جنس خود نباشد، دچار ابهام و سردرگمی می‌شود و تضاد نقش ظاهر شود که می‌تواند باعث کشمکش و آسیب جدی در روابط بین زن و مرد شود و در نتیجه سطح رضایت و تعهد زناشویی زوجین کاهش پیدا کند (Maaref et al., 2015).

برای مثال (Maaref et al., 2015) در بررسی رابطه‌ی نقش‌های جنسیتی با رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند که نقش جنسیتی زنانگی در مردان با رضایت زناشویی رابطه دارد. مردانی که خود را از قید نقش جنسیتی سنتی رها کرده و قادر هستند ویژگی‌های زنانه و ظریف را در خود تشخیص داده و رشد دهند، قادر به درک بهتری از وضعیت همسران خود شده و در نتیجه از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار خواهند بود. رضایت زناشویی، هم می‌تواند بر تعهد زناشویی تأثیرگذار باشد و هم از آن تأثیر پذیرد. تعهد زناشویی به میزان انگیزه و تلاشی که هر یک از زوجین برای حفظ رابطه زناشویی خود دارند، به‌عنوان همبسته رضایت زناشویی می‌تواند تحت تأثیر نقش جنسیتی هر یک از زوجین قرار گیرد.

شکل‌گیری نقش جنسیتی در کنار همه‌ی عوامل فردی و محیطی- اجتماعی از طرحواره‌های شناختی افراد نیز متأثر خواهد بود. هر فردی با توجه به طرحواره‌هایی که از کودکی در ذهن او شکل گرفته نگاه مشخصی به جنسیت خود و نقش‌هایی که از خود انتظار دارد، شکل خواهد داد. از این‌رو نقش جنسیتی می‌تواند به‌عنوان واسطه‌ای در رابطه بین طرحواره‌های شناختی و تعهد زناشویی باشد. با توجه به آنچه گفته شد و با مروری بر پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده، پژوهش حاضر به دنبال بررسی مدل زیر و پاسخ به دو سؤال بود که آیا طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نقش‌های جنسیتی در تعهد زناشویی نقش دارند؟ آیا بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی با واسطه‌ی نقش جنسیتی رابطه وجود دارد؟



شکل ۱: مدل فرضی پژوهش بر اساس مطالعات پیشین

روش

پژوهش حاضر جزء تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی است که با روش معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) انجام شد. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی کارمندان (مرد و زن) متأهل ادارات دولتی شهر زنجان بود. با توجه قرارگیری زنان و مردان شاغل در کنار هم و تغییراتی که نقش جنسیتی آن‌ها به دلیل تغییر نقش و تقسیم کار و ... پیدا می‌کند. در این پژوهش بر آن شدیم که نمونه را مردان و زنان شاغل در نظر بگیریم تا اثرات تغییر نقش و ... در آن‌ها بررسی کنیم. از این جامعه ۳۰۰ نفر (۱۶۸ مرد و ۱۳۲ زن) به‌عنوان نمونه به روش در دسترس انتخاب شدند.

آزمودنی‌ها در بازه‌ی سنی ۲۵ تا ۵۵ سال سن قرار داشتند و دارای تحصیلات کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. پس از کسب رضایت آگاهانه‌ی آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش و اطمینان دهی به آن‌ها از عدم افشای اطلاعات شخصی‌شان، از آن‌ها خواسته شد به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ بدهند. برای همگن کردن گروه نمونه افرادی که مشکلات حاد زناشویی داشتند و در فرایند طلاق قرارگرفته بودند، از نمونه حذف شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های تعهد زناشویی آدامز و جونز، طرحواره‌های ناسازگار یانگ و نقش جنسیتی بم استفاده شد.

ابزارها

پرسشنامه تعهد زناشویی[1] (DCI): این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (Adams & Jones, 1997) ساخته‌شده است و میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان را می‌سنجد. دارای ۴۴ سؤال است و سه بُعد تعهد زناشویی شامل تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری را در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) می‌سنجد. سؤالات ۱۱،۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰،۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل نمره در این پرسشنامه ۴۴ و حداکثر نمره ۲۲۰ است. آدامز و جونز (Adams & Jones, 1997) در پژوهش خود پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را به ترتیب برای تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ به دست آوردند. عباسی مولید (Abbasi Molid, 2009) میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه را در ایران ۰/۸۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۸۳، تعهد اخلاقی ۰/۷۳، ساختاری ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه طرحواره یانگ- فرم کوتاه[2] (SQ-SF): این پرسشنامه توسط یانگ برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته‌شده است. پرسشنامه ۷۵ سؤالی است و هر ۵ آیتم یک طرحواره را می‌سنجد که در طیف لیکرت روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای از «کاملاً درست» تا «کاملاً غلط» درجه‌بندی می‌شود. هنجاریابی پرسشنامه در ایران توسط آهی (Ahi, 2006) بر روی ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام شد و همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در زنان ۰/۹۷ و در مردان ۰/۹۸ به‌دست‌آمده است. در پژوهش حاضر از سؤالات ۱ تا ۱۵ این پرسشنامه به‌منظور سنجش سه طرحواره ناسازگار اولیه «محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بد رفتاری» استفاده شده است و میزان آلفای کرونباخ آن‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسشنامه نقش جنسیتی بم[3] (BSRI): این پرسشنامه توسط بم (Bem, 1981) برای تعیین شخصیت جنسی افراد ساخته‌شده است و دارای ۳۰ صفت یا عبارت توصیفی با سه زیرمجموعه زنانه، مردانه و خنثی است. هر فرد در برابر هر صفت یا عبارت به خود نمره‌ی بین ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) می‌دهد و هر فرد سه نمره به دست می‌آورد که یکی نمره‌ی زنانگی و دیگری نمره‌ی مردانگی و سومی نمره‌ی خنثی است. بر اساس این نمره‌ها هر فرد دو بُعد مردانگی بالا یا پایین و زنانگی بالا یا پایین دارد و نقش جنسیتی

1. dimensions of commitment inventory
2. young schema questionnaire-short form (SQ-SF)
3. bem sex role inventory

خنثی مربوط به افرادی است که در هر دو بُعد زنانگی و مردانگی بالا باشند. در پژوهش علی‌اکبری دهکردی، محتشمی و حسن‌زاده (Aliakbari Dehkordi, Mohtashmi, & Hasanzadeh, 2013) میزان آلفای کرونباخ مقیاس نقش جنسیتی زنانگی و مردانگی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۸ و کل پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ نقش جنسیتی زنانگی و مردانگی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۲ به دست آمد.

یافته‌ها

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد و برای تحلیل داده‌ها و بررسی مدل پژوهش از روش معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار LISREL انجام شد. جدول شماره ۱، اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش (میانگین، انحراف استاندارد، نمرات کمینه و بیشینه و شاخص کجی) را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی خرده مقیاس‌های پژوهش

متغیر	خرده مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	محرومیت هیجانی	۱۲	۵/۸۳	۵	۲۹	۰/۷۸
	رهاشدگی/ بی‌ثباتی	۱۳/۷۰	۶/۰۷	۵	۳۰	۰/۶۷
	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	۱۱/۵۷	۵/۰۸	۵	۲۷	۰/۴۷
تعهد زناشویی	تعهد شخصی	۶۴/۲۰	۹/۱۹	۳۶	۸۸	−۰/۱۶
	تعهد اخلاقی	۴۲/۸۰	۶/۷۸	۲۷	۷۶	۰/۲۳
	تعهد ساختاری	۴۳/۱۱	۶/۴۶	۲۴	۵۵	−۰/۳۵
	کل تعهد زناشویی	۱۶۱/۸۳	۲۲/۳۸	۱۰۲	۲۱۱	−۰/۱۹
نقش جنسیتی	نقش جنسیتی زنانگی	۴۵/۲۱	۵/۵۴	۳۰	۵۵	−۰/۳۲
	نقش جنسیتی مردانگی	۴۲	۵/۷۸	۲۶	۵۵	−۰/۱۲

قبل از ارزیابی مدل ساختاری پیشنهادی به‌منظور ایجاد مدل اندازه‌گیری برازنده و قابل‌قبول و تعیین این موضوع که ابزارهای استفاده شده به‌خوبی سازه‌های موردنظر را اندازه‌گیری می‌کنند، تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که بارهای عاملی مربوط به سؤال ۳۷ پرسشنامه تعهد زناشویی معنادار نبود؛ بنابراین، از تحلیل نهایی کنار گذاشته شد. سؤالات مربوط به نقش جنسیتی خنثی نیز موضوع

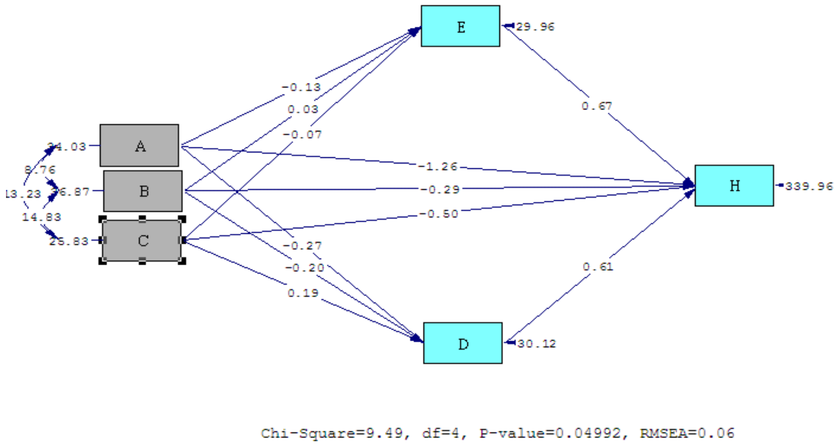
بررسی حاضر نبود و از تحلیل کنار گذاشته شدند. با توجه به نتایج تحلیل عاملی و شاخص‌های ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری عوامل نهفته از برازندگی سازه‌ای بسیار خوبی برخوردار است. پس از تعیین روایی ابزارهای اندازه‌گیری، گام بعدی برای ورود به بحث تحلیل مسیر شناسایی رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش است. جهت شناسایی رابطه‌ی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲: همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. محرومیت هیجانی	۱					
۲. رهاشدگی/ بی‌ثباتی	**۰/۲۴	۱				
۳. بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	**۰/۴۴	**۰/۴۸	۱			
۴. نقش جنسیتی مردانگی	**۰/۲۵-	**۰/۱۹-	۰/۰۵	۱		
۵. نقش جنسیتی زنانگی	**۰/۱۵-	۰/۰۳-	۰/۱۰-	**۰/۶۴	۱	
۶. تعهد زناشویی	**۰/۴۶-	**۰/۲۴-	**۰/۳۲-	**۰/۳۶	**۰/۳۳	۱

$^{*}p<0/05$، $^{**}p<0/01$

با توجه به روابط معنادار بین متغیرهای پیش‌بین با متغیرهای واسطه‌ای و ملاک و رابطه معنادار متغیرهای واسطه‌ای با متغیر ملاک در ادامه برای آزمون مدل پیشنهادی تحلیل مسیر از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد که خروجی آن در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: مدل آزمون شده پژوهش

مشخصه‌های برازش به‌دست‌آمده، برای مدل آزمون شده در جدول ۳ عنوان شده است.

جدول ۳: مشخصه‌های برازندگی مدل و مدل برازش شده

شاخص‌ها	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMR
مقدار	۲/۳۷	۰/۰۶	۰/۹۹	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۳/۰۴

با توجه به جدول ۳ شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) با مقدار ۰/۰۶ از سطح قابل قبولی برخوردار بود و دیگر شاخص‌های برازش نیز همگی در سطح مناسبی بودند؛ بنابراین، شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهند که مدل بررسی شده از برازش خوبی برخوردار است.

جدول ۴: پارامتر استاندارد، مقدار t و واریانس‌های تبیین شده متغیرهای پژوهش

ملاک	پیش‌بین	پارامتر استاندارد	مقدار t
تعهد زناشویی	محرومیت هیجانی	۱/۲۶-	۵/۹۰ **
	رهاشدگی/ بی‌ثباتی	۰/۲۹-	۱/۴۰
	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	۰/۵۰-	۱/۸۹
	نقش جنسیتی زنانگی	۰/۶۷	۳/۴۱**
	نقش جنسیتی مردانگی	۰/۶۱	۳/۱۵**

$^*p<۰/۰۵$، $^{**}p<۰/۰۱$

به طور خلاصه نتایج جدول ۴ در مدل ساختاری نشان داد که اثر مستقیم طرحواره‌ی ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی در تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ معنادار است اما اثر مستقیم طرحواره‌ی ناسازگار اولیه رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری در تعهد زناشویی معنادار نبود. همچنین اثر مستقیم نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی در تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در مورد رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی، علاوه بر اینکه روابط مستقیم وجود دارد، روابط غیرمستقیم نیز با واسطه‌ی نقش‌های جنسیتی نیز وجود دارد که میزان آن با اثر غیرمستقیم مشخص‌شده است.

جدول ۵: اثرات غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی

ملاک	پیش‌بین	میانجی	پارامتر استاندارد	اثر کل
تعهد زناشویی	محرومیت هیجانی	نقش جنسیتی زنانگی	۰/۰۸-	۱/۳۴-
	محرومیت هیجانی	نقش جنسیتی مردانگی	۰/۱۶-	۱/۴۲-
	رهاشدگی/ بی‌ثباتی	نقش جنسیتی زنانگی	۰/۰۲	۰/۲۷-
	رهاشدگی/ بی‌ثباتی	نقش جنسیتی مردانگی	۰/۱۲-	۰/۴۱-
	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	نقش جنسیتی زنانگی	۰/۰۴-	۰/۵۴-
	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	نقش جنسیتی مردانگی	۰/۱۱	۰/۳۹-

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر غیرمستقیم طرحواره‌ی ناسازگار اولیه‌ی محرومیت هیجانی در تعهد زناشویی با واسطه‌ی نقش جنسیتی مردانگی و زنانگی معنادار بود. همچنین اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری در تعهد زناشویی با واسطه‌ی نقش جنسیتی مردانگی معنادار بود اما اثر غیرمستقیم آن‌ها در تعهد زناشویی با واسطه‌ی نقش جنسیتی زنانگی معنادار نبود.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل معادلات ساختاری نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری در تعهد زناشویی با واسطه‌گری نقش جنسیتی انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که اثر مستقیم طرحواره ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی در تعهد زناشویی معنادار است. این نتایج با یافته‌های پژوهش هادی و همکاران (Hadi et al., 2017)، آرین‌فر و رسولی (Arianfar & Rasouli, 2019)، داسیانا و روسو(Daciana & Rusu Alina, 2012)، محمدی و سلیمانی (Mohammadi & Soleymani, 2017)، سیفی زاده آرانی و همکاران (Seyfizadeh et al., 2019)، خاجوی‌نیا، قیاسی، ایزدی و سرامی فروشانی (Khajouei Nia, Ghiasi, Izadi, & Sarami Forooshani, 2014) همسو است.

طرحواره‌ها روابط نزدیک را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اولین تجربه روابط نزدیک بعد از روابط والد–فرزندی، روابط زوجی است؛ بنابراین، اولین نقطه‌ی فوران طرحواره‌ها روابط زناشویی است. در واقع طرحواره‌های ناسازگار اولیه موجب سوگیری‌هایی در تفسیر رویدادها می‌شوند، این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به‌صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشمداشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران ظاهر می‌شود و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی در زندگی مشترک تأثیر می‌گذارند (Yousefi, Etemadi, Bahrami, Ahmadi, & Fatehi-Zadeh, 2010). در حقیقت رابطه‌ی مستقیم و معنادار طرحواره‌ی ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی (عدم جبران کافی نیازها و تمایلات فرد به حمایت عاطفی و احساسی) نشان‌دهنده‌ی تأثیر احساسات ناشی از طرحواره‌ها در زندگی زناشویی است که می‌تواند در پایبندی یا عدم پایبندی فرد به زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد. در واقع، فرد با مجاز شمردن خود ناشی از نیاز به داشتن منبع حمایتی بیشتر ناشی از طرحواره محرومیت هیجانی وارد فضاهای دیگری از ارتباط می‌شود که با تعهد زناشویی منافات دارد (Hadi et al., 2017).

همچنین اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری در تعهد زناشویی معنادار نبود. یافته‌های به‌دست‌آمده ناهمسو با نتایج پژوهش هادی و همکاران (Hadi et al., 2017) آرین‌فر و رسولی (Arianfar & Rasouli, 2019)، دمیترسکو و جیانگ (Dumitrescu & Jiang, 2008)،

محمدی و سلیمانی (Mohammadi & Soleymani, 2017) و سیفی‌زاده آرانی و همکاران (Seyfizadeh et al., 2019) است و با یافته‌های پژوهش اصلانی، صمدی فرد و سودانی (Aslani, Samadifard, & Sodani, 2015) همسو است. در تبیین این ناهمسویی می‌توان به اختلاف نمونه‌های پژوهش اشاره کرد. نمونه‌های مورداستفاده در پژوهش‌های پیشین اغلب افرادی بودند که مرتکب خیانت زناشویی شده یا اینکه در معرض طلاق قرار داشتند اما در پژوهش حاضر نمونه افراد متأهلی بودند که مشکلات حاد زناشویی نداشتند و از این‌رو همگن‌تر بودند.

نتایج به‌دست‌آمده اثر مستقیم معنادار نقش جنسیتی مردانگی و زنانگی را در تعهد زناشویی نشان داد که با یافته‌های لانگیس، سابورین، لوسیه و ماتیو (Langis, Sabourin, Lussier, & Mathieu, 1994)، میکلسون، کلافی و ویلیامز (Mickelson, Claffey, & Williams, 2006) همسو است. نقش جنسیتی مردانگی بر عاملی بودن و ابزاری بودن تأکید می‌کند. ویژگی‌ها و صفات جنسیتی مردانگی که شامل ویژگی‌هایی همچون باثبات و قوی بودن، پایبندی به عقاید و باورهای خود، سلطه‌گری بودن است، باعث می‌شود افراد در برخورد با مشکلات و شرایط تنیدگی‌زای زندگی جرأتمند بوده، از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده کنند، شرایط و محدودیت‌های خود را قابل‌تغییر دانسته و سعی کنند محدودیت‌ها و مشکلات زندگی را رفع کنند که همین امر به‌مرور زمان تعهد آن‌ها را نسبت به زندگی زناشویی افزایش می‌دهد (Shokri, Moradi, Daneshpour, & Tarkhan, 2008). نقش جنسیتی زنانگی بیانگر بیانی بودن، اجتماعی بودن و هیجانی بودن است. داشتن ویژگی‌های زنانگی به معنای داشتن مهارت‌های ارتباطی مؤثر است مثلاً ویژگی‌هایی از قبیل استفاده نکردن از لحن تند، گرم، خوش‌بیان و ملایم بودن سبب می‌شود افراد در مواجهه با مسائل زندگی بتوانند شرایط را به‌خوبی مدیریت کنند و سعی کنند رابطه‌ی زناشویی خود را با همسرشان بهبود دهند و تعهد بالاتری نسبت به زندگی‌شان داشته باشند (Matud, Bethencourt, & Ibáñez, 2014).

اثر غیرمستقیم نقش جنسیتی مردانگی و زنانگی در رابطه‌ی بین طرحواره‌ی ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی و تعهد زناشویی معنادار بود. همچنین اثر غیرمستقیم نقش جنسیتی مردانگی در رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری و تعهد زناشویی معنادار بود. هر چند پژوهشی که به بررسی این نقش واسطه‌ای پرداخته باشد یافت نشد شاید بتوان نتایج گزارش شده در باب رابطه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی هادی و همکاران (Hadi et al., 2017)، آرین‌فر وآرین‌فر (Arianfar & Arianfar, 2017)، دمیترسکو و جیانگ (Dumitrescu & Jiang, 2008)، محمدی و سلیمانی (Mohammadi & Soleymani, 2017) را از یک‌سو و مطالعات مربوط به رابطه‌ی نقش جنسیتی با

تعهد و رضایت زناشویی لانگیس و همکاران (Langis et al., 1994)، میکلسون و همکاران (Mickelson et al., 2006) را از سوی دیگر مصداقی بر همسویی با یافته‌های حاضر قلمداد نمود. طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای شناختی و هیجانی خودآسیب‌رسانی هستند که در مراحل اولیه رشد فرد شکل می‌گیرند، در طول زندگی تداوم می‌یابند و به‌عنوان چهارچوبی به کار می‌روند که افراد در آن مفهوم زندگی خود را می‌سازند. افرادی که در دوران کودکی نیازشان به ثبات، محبت و امنیت برآورده نشده در دوران بزرگ‌سالی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه رنج می‌برند. اگرچه این طرحواره‌های ناسازگار در دوران کودکی کارکرد خوبی برای آن‌ها داشته‌اند ولی استفاده از آن‌ها در بزرگ‌سالی باعث می‌شود فرد رویدادها و محرک‌های محیطی را به شکل منفی ارزیابی و تفسیر کند و آن‌ها را تهدیدآمیز قلمداد کنند (Besharat, Khalili & Rezazadeh, 2017)؛ بنابراین، این الگوهای شناختی ناکارآمد به‌صورت ناهشیارانه و ناخواسته نقش جنسیتی مردانگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سبب تضعیف ویژگی‌های مردانگی در افراد می‌شوند؛ بنابراین، زمانی که این نقش‌ها و ویژگی‌ها تضعیف می‌شوند زمینه را برای شکل‌گیری یا تداوم مشکلات بین فردی در رابطه‌ی زوجین مخصوصاً در زمینه‌ی عاطفی فراهم می‌کنند و به‌مرور تعهد زناشویی زوجین را کاهش می‌دهند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شکل‌گیری نقش جنسیتی ریشه در روابط خانوادگی افراد دارد و با توجه به تأثیر شگرف این عوامل بر روابط آینده افراد به مشاوران و درمانگران پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه نحوه‌ی صحیح فرزند پروری را به والدین آموزش دهند و آن‌ها را متوجه اهمیت این مسئله سازند. بر این اساس مشاوران و روان‌درمانگرها می‌توانند برای رفع مشکلات زناشویی و افزایش تعهد و متعاقباً رضایت زناشویی افراد از طریق مداخله در جهت اصلاح طرحواره‌ها، اصلاح و بهسازی روش‌های مقابله با طرحواره‌ها اقدام کنند. همچنین آموزش و آگاه‌سازی زوجین نسبت به نقش‌های جنسیتی خود و همسرشان و متناسب‌سازی رفتارها و انتظاراتشان با این نقش‌ها می‌تواند در راستای افزایش تعهد و کیفیت زندگی زوجین مؤثر باشد.

قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش که با صداقت و دقت اقدام به شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

References

Abbasi, H. (2009). *The effectiveness reality therapy on marital commitment.* MA. Dissertation, Tehran University. (In Persian).

Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, *72*(5), 1177.

Ahi, G. (2006). Standardization of the Young Schema Questionnaire short version. master's Desertation in Educational Psychology: Allameh Tabatabaei University, Tehran. (In Persian).

Aliakbari, M., Mohtashmi, T., & Hasanzadeh, P. (2013). The study of psychometric characteristics in short form Bems Sex-Role Inventory with emphasis on factor analysis in Iranian population. *Social Cognition*, *1*(1), 44-58. (In Persian).

Amani, A., Eisanejad, O., & Azizi, A. (2015). Study of the Structural Relations of Early Maladaptive Schemas, Personality Factors and Marital Adjustment. *Journal of Modern Psychological Researches*, *10*(37), 45-70. (In Persian).

Arianfar, N., & Arianfar, N. (2017). Structural Equation Modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediatory variable of the lovemaking styles. *Counseling Culture and Psycotherapy*, 8(29), 107-134. (In Persian).

Arianfar, N., & Rasouli, R. (2019). Design the online shopping model for women Structural Equation Modeling of the Predicting Marital Satisfaction on The Health of The Main Family and The Mediatory Variable of Lovemaking Styles. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 139-157. (In Persian).

Arriaga, X. B., & Agnew, C. R. (2001). Being committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. *Personality and social psychology bulletin, 27*(9), 1190-1203.

Aslani, K., Samadifard, A., & Sodani, M. (2015). The Test of the Model of Disconnection and Rejection Domain of Early Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction with Mediating Unsecure Attachment Style, and Depression. *Family Counseling and Psychotherapy*, *5*(1), 94-114. (In Persian).

Basile, B., Tenore, K., & Mancini, F. (2019). Early maladaptive schemas in overweight and obesity: A schema mode model. *Heliyon*, *5*(9), e02361.

Bem, S. L. (1981). *Bem Sex-Role Inventory: Professional manual*. Palo Alto: Consulting Psychologists Press.

Besharat, M., Khalili Khezrabadi, M., & Rezazadeh, S. (2021). The mediating role of difficulty of emotion regulation in the relationship between early maladaptive schemas and marital problems. *Journal of Family Psychology*, 3(2), 27-44. (In Persian).

Calvete, E., Orue, I., & Hankin, B. L. (2015). A longitudinal test of the vulnerability-stress model with early maladaptive schemas for depressive and social anxiety symptoms in adolescents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *37*(1), 85-99.

Daciana, D., & Rusu Alina, S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: an evolutionary psychological approach. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, *12*(1), 63-76.

Damiano, S. R., Reece, J., Reid, S., Atkins, L., & Patton, G. (2015). Maladaptive schemas in adolescent females with anorexia nervosa and implications for treatment. *Eating behaviors*, *16*, 64-71.

Dew, J., & Jackson, M. (2018). Commitment and relationship maintenance behaviors as

marital protective factors during economic pressure. *Journal of Family and Economic Issues, 39*(2), 191-204.

Dumitrescu, A., & Jiang, M. (2008). Sweeping Points *Approximation, Randomization and Combinatorial Optimization. Algorithms and Techniques* (pp. 63-76): Springer.

Ellen Byrd, S. (2009). The social construction of marital commitment. *Journal of Marriage and Family, 71*(2), 318-336.

Goodfriend, W., & Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans: Examining different types of investments in close relationships. *Personality and social psychology bulletin, 34*(12), 1639-1652.

Hadi, S., Eskandari, H., Sohrabi, F., Motamedi, A., & Farrokhi, N. A. (2017). Structural models predict marital commitment based on attachment styles and mediator variables self-control and early maladaptive schemas(in people with emotional extramarital relations). *Counseling Culture and Psycotherapy*, 7(28), 33-60. (In Persian)

John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A. O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, health & sexuality, 19*(2), 267-278.

Khajouei Nia, M., Ghiasi, M., Izadi, S., & Sarami Forooshani, G. (2014). Study early maladaptive schemas as predictors of marital dissatisfaction in India and Iran-Role of conditional schemas as a mediator and moderator. *Applied Environmental and Biological sciences, 5*(11), 590-597. (In Persian).

Langis, J., Sabourin, S., Lussier, Y., & Mathieu, M. (1994). Masculinity, femininity, and marital satisfaction: An examination of theoretical models. *Journal of Personality, 62*(3), 393-414.

Maaref, M., Khalili, S., Hejazi, E., & Lavasani, M. G. (2015). The relationship between identity style, gender role and marital satisfaction in married couples. *Journal of Psychology, 18*(4 (72), 365-380..

Matud, M. P., Bethencourt, J. M., & Ibáñez, I. (2014). Relevance of gender roles in life satisfaction in adult people. *Personality and Individual Differences, 70*, 206-211.

Mickelson, K. D., Claffey, S. T., & Williams, S. L. (2006). The moderating role of gender and gender role attitudes on the link between spousal support and marital quality. *Sex Roles, 55*(1), 73-82.

Mohammadi, B., & Soleymani, A. (2017). Early maladaptive schemas and marital satisfaction as predictors of marital commitment. *International Journal of Behavioral Sciences, 11*(1), 16-22. (In Persian).

Montesi, J. L., Fauber, R. L., Gordon, E. A., & Heimberg, R. G. (2011). The specific importance of communicating about sex to couples' sexual and overall relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships, 28*(5), 591-609.

Nelson, J. A., Kirk, A. M., Ane, P., & Serres, S. A. (2011). Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: Untapped resources in couples counseling? *Counseling and Values, 55*(2), 228-246.

Parsafar, S., Akrami, N., & Ghasemi Nejad, J. A. (2014). Mediating the role of attachment styles in predicting the relationship between early maladaptive schemas and marital satisfaction. *International Journl of Psychology, 8* (2), 93-109. (In Persian).

Seyfizadeh, H., Zareei Mahmodabadi, H., & Bakhshayesh, A. (2019). The reletionship between early maladaptive schemas and marital adjustment with mediation fear of intimacy in married people. *Journal of Family Research, 15*(4), 467-486. (In Persian).

Shirvani, M. Y., & Peyvastegar, M. (2011). The relationship between life satisfaction and early maladaptive schemas in university students. *Knowledge & Research in Applied Psychology, 12*(2), 55-65. (In Persian).

Shokri, O., Moradi, A., Daneshpour, Z., & Tarkhan, R. (2008). The role of gender diferences in coping styles and mental health. *Contemporary Psychlogy, 3*(1), 51-61. (In Persian).

Tang, C.-Y., & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues, 34*(12), 1598-1622.

Topuz, C., & Yıldızbaş, F. (2014). The examination of graduate students' gender roles in relation with demographics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 159*, 565-569.

Vannier, S. A., & O'Sullivan, L. F. (2018). Great expectations: Examining unmet romantic expectations and dating relationship outcomes using an investment model framework. *Journal of Social and Personal Relationships, 35*(8), 1045-1066.

Welch, B., & Johnson, C. (2003). Utah marriage movement statewide baseline survey: Technical report and results (Bureau for Social Research, Oklahoma State University). *Stillwater, ok: Bureau for social research*.

Yousefi, N., Etemadi, A., Bahrami, F., Ahmadi, A., & Fatehi-Zadeh, M. (2010). Comparing of early maladaptive schemas among divorced and non-divorced couples as predictors of divorce. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 16*(1), 21-33. (In Persian).

Zeyneloğlu, S., & Terzioğlu, F. (2011). Development and psychometric properties gender roles attitude scale. *Hacettepe Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi, 40*(40), 409-420.